

نویسنده

سال سوم، شماره ۶۳، شنبه ۱۳۵۷

(واسته به حزب نوده ایران)

مردم قهرمان ایران! با اتحاد و تشدید مبارزه قوطه خونین استبداد و امپریالیسم رادوهم شکنید (اعلامیه کمیته مرکزی حزب نوده ایران)

این سوالی است که نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم در مجموع خودموظفند بدان پاسخ دهند. جز ب ما برآید که با توجه به تمهید روزافزون بهرانی که کلیه شئون کشور را فرا گرفته، به طاعت و جسد یک سلسله عوامل و مکانات مینویسد، گسترش با رژیم بیشتر جنبش و بیداری اشکال نوین مبارزه تهرانی شده های مردم اجتناب ناپذیر است. مسلم است که جنبش با تا مین رشد شریک ذهنی هماهنگ با عوامل مکانات مینویسد می تواند در پرتو ان ترازاگشون را نشینت مین نماید.

پراکندگی در صفوف نیروهای اپوزیسیون و عدم رهبری سیاسی و برپا نه و احادیه مشابه یکی از عمل ترین نارسی های جنبش منافقانه همچنان ادامه دارد. خلق مبارز ایران امروزه رژیم شبه کار، مردم می سلاح راه و گبار مسلح می بندد و بر جنبش های تا تک له می کند و با قتل عام بی سابقه آنان سبیل خون جاری می سازد. با فاطمیت هر چه شما ستر خواستار رهبری هماهنگ سیاسی است. با چنین وضعی جنبش از همبسته و فتنه آلوده است که نیروهای اپوزیسیون مدرزیم ام از احزاب و گروه ها و شخصیت های سیاسی عوامل ذهنی، اختلافات عقیدتی و مسلطی و سلبی های شخصی را کنار گذاشتند و به این سدهای به حق مردم پاسخ گویند.

روشن است که در مرحله کنونی هیچ کدام از احزاب سیاسی و به طریق اولی شخصیت های جداگانه به تنهایی قادر نخواهند بود جنبش را که توده های طایف بدان طغلت برجسته و وسیع ملی و دموکراتیک داده اند، به پیروزی در طوری برسانند. به همین جهت حزب نوده ایران با تمام قوا در راه ایجاد جبهه واحدی شرکت کلیه نیروهای دانشمندی و فدا میانی لیستی مبارزه کرده می کند. جنبش انقلابی مردم که به طور عمده با ابتکار توده ها به مرحله کنونی اوج خود رسیده، کلیه احزاب و گروه های سیاسی و شخصیت های اندرز برار با مسئولیت تاریخی عظیمی روبرو گردیده است که نمی توان از بربرای آن شانه را خالی کرد.

حزب نوده ایران علی رغم برخی موانع گمیری های نادرست که از طرف عناصر مختلف در میانه راه از همه

نظارات و امضا بهای اجتماع می و سیاسی دامن گسری که سر او کشور را فرا گرفته رژیم سلطنت استبدادی محمدرضا شاه را پیش از پیش به سوی استبداد میبرد. روزی نیست که عدها و هزارها مبارز میهن پرست به دستور شاه و رژیم و حامیان امپریالیستی آن به خاک هلاک نیافتند. بورش های سیمان و رژیم به شوه های زمینگش روز به شدید تر می شود. مدی را گبار مسلح با نفرین توپ و تانک ها که در این روزها شیران، تبریز، آبادان، اصفهان، مشهد، شیراز، سنندج، بهاباد، همدان، کرمانشاه، قم، اهواز و شهرها و شهرک دیگر کشور را به لرزه در آورده صفحات خونین جدیدی بر تاریخ سنگین سلطنت منصور پهلوی می افزاید. سرانجام به شیره های قهرمانانه و جاننازانه مردم ایران علییه امپریالیسم و دست نشاندگان داخلی آن به دیده تحسین می نگرد.

مردم ایران خواستار آنند که به طاعت و سنگین سلطنت برپیده شود، یک دولت اختلاف ملی بر سر کار آید که بتواند دموکراسی و استقلال ملی، رفاه و زحمتگشان و سانسازی اقتصادی کشور را تا مین کرده و مجلسی موسسان را براری تارک قانون اساسی موافق مقتضیات امروزی کامل ایران و جهان برپا یسد.

انتخابات آزاد و همگانی تشکیل دهد. اکثریت قاطع مبارزان انقلابی که قهرمانانه برای در هر چه، بیگنا رست و خونین با دشمن فدا و یگانه و خدیه گردگذاشته اند و از هیچ گونه فداکاری و جانبازی در مایه ندارند، خواهان تحول بنسبادی عمیق در جامعه هستند. ولی رژیم که از حمایت بی دریغ امپریالیسم برخوردار است با باطل کردن ابتدایی ترین حقوق و آزادی های دموکراتیک و تشدید کشور به گشتارگاه میهن پرستان، امکان هرگونه نظارات سالمند امپریالیستی را برانظرگه که مسلم و قانونی مردم است از مین برده و مملکت را در راه رابرای مبارزه سالمند امپریالیسم و آتش جنگ داخلی رادگرودا من می ریزد. و اساسی که اکنون برای توده ها مطرح است این است که چه باید کرد؟

قوطه جدید شاه آمریکا

مهم و آشتی ناپذیر مردم اورا خواهد رفت. و عصبه ملی هم اعلام کرده است با این طرح سازشکارانه به مبارزه خواهد پرداخت. با توجه به تلاطم ها و بیقراری های ارتش که هر روز این آخرین با بگانه رژیم برای اوست مطن شریک و تانک تری سلاز، و با توجه به گرایش روز افزون نیروهای نظامی به سوی جنبش، شمسای می خواهد هر طوری شده ارتش را از میان ها و معا بر سرچشمنا از میان می ستقیم سر بازان و افسران با مردم جلوگیری کند.

شاه با سوا بیدار با بان و مشاوران امریکایی و راهنما بان شناخته شده ای نظیر دکتر علی امینی با روی کار آوردن دولتی نظیر دکتر مددی که تا شید پارهای از شخصیت ها و عناصر مترادف و وخت زده و نیم بند شاهیه جنبش در پشت برآست، به خیال خود می خواهد از یک سو سپین مخالفان شکاف بیندازد و عصبه بگبارجه آنها را در بر آوردن روز رژیم استبدادی و حامیان امپریالیست آن تا حد مقدور برپتان سازد از سوی دیگر ارتش مترادف و وخت زده باخته را که هر روز از شاه بگانه ترمی شوبه با دگان ها برگرداند برای یک هجوم وسیع سر برع و فالنگبرانه تعدد با زمان دهد. فرماندهان و موداطعیان و خود فروخته ترین عناصر سردساری و آمریکا بی رادر نقاط حساس ان بگبار دروا ماده یک کودتای احتمالی سازد.

آقای دکتر مددی که تا شید خود دارد، به عصبه میگردد. مردم... آنها که برای پایان بخشیدن به حاکمیت ستم و بیچارگی و شکنجه شهرها و روستا ها را با خون پاک شریک ترین فرزندان خود درنگن کرده اند، پس از این به حین و مصیبت و درد، به این نوع شبانی ها که است امپریالیسم امریکا را پشت صحنه در کار بردی است، به جنب می خورد تمام شوبه سیاه ارتجاع داخلی در آن ماه گذشته شده است. با اینصدا ستوزا، می نگردد. آیا وقت آن نسیوع سازش ها و توافق های نیم بند و دست آمیزه از پشت سر مردم صورت می گیرد، نگذشته است؟

ز دوستهای پشت پرده میسون در نظر گرفتن مردم و به حساب آوردن خواست های آنها که اینک با درباری از خون و ریختن متحرک است. سرانجام به مدرک نخست وزیر دکتر غلامحسین مددی از طرف شاه منجر شد. تلاقی نیروها و همپان ملی بر اینصورت گردید که دکتر مددی از بدترین مسئولیت نخست وزیر شد. هیچ یک از رجال و شخصیت های با نفوذ سیاسی زبیرا ران بر فتنه اند. هنوز به نتیجه نرسیده است. دکتر مددی که در گام به دکتر محمد مصدق وزارت کشور را به عهده داشت بیگانه آن از این حکم نسیع معروف که "توبه بگبارگ است" برآست تا به گمان خود از شاه مستبدیک شاه مشروطه سازد و او را در چارچوب قانون اساسی محسوس کند. موسیقی لنین آموزگار بزرگ انقلاب در پاسخ چنین سساده بنیاد رانی بزرگ گفت: "لطیف و آرد ساختن و محدود کردن دایره حکومت استبدادی کافی نیست. با بدان رانا بورد. مادام که حکومت استبدادی تا بسود نشده، گذشت های تزار (بگوشاه) همواره تا بیدار خواهد بود. هر وقت فتنه انقلاب شده با فتنه، سلطنت مطلقه گذشت کرده است، و وقتی این فتنه ضعیف شده، تمام گذشت های رایج گرفته است." (مقاله درس های انقلاب)

در توافق با دکتر مددی، رژیم شاه را که همه درها را به روی خود بسته می بیند، شمد کرده است آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، محدود شدن اختیارات و آواک و تنظیمه عناصر مرچنا بگبارگ آن را به رسمیت بشناسد و به آن تن در دهد. تحریر قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضا بگبارگ بر برداشتن سلطه قوه مجریه از دوفه دیگر تا مین شود. هر چه زودتر زمینه آزادی انتخابات برای تشکیل یک مجلس ملی فراهم آید، اختیارات محاکم نظامی به دادگسری با برگردانده شود... اما علی رغم همه این عقب نشینی های تا کتری ارتش این ابزار سرکوب خلق و مایه همیشه آماده شاه و در دست بزرگ هلدان باقی خواهد ماند. ساکنان آن زبیرا سوسری موفقیت این آخرین شگرد رژیم رویه زوال به نگاه داشته اند. اساس در همین حال آیت الله خمینی به دکتر مددی پیام داده است که خود را کنار بگذارد، وگرنه جنبش

زلزله در ارتش شاه

در آخرین و مهم ترین با بگانه رژیم ورنکسته شاه زلزله در این نهاد باقی مانده، رژیم استبداد سلطنتی است. به دنبال حوادثی نظیر گسسته شدن چندتن از فرماندهان جزا و در مددی در با شاه به دست سر بازان و عمل سلسله سر بازان میهن پرست به طلی کوپتر سپید پرواز داد. کوکلی سسون آتام شاه - در هوا شپروز، دستگیری گروه بزرگی از رهبران و درجه داران نیروی هوایی، ایجاد حفره در دیوار با دگان نیروی هوایی و فرار ۳۰۰۰ سرباز با مقادیر مختلف اسلحه و فشنگ از این رخت، گزارش های موقت از درگیری خونین گروهی از نظامیان میهن پرست ایرانی با کمانده های از برای اردن در با دگان جی آگاهی می دهد. حضور کمانده های اردنی در ارتش ایران درست در لحظه ای که جنبش انقلابی خلق های میهن ما با شانه ز از ان شهید و با خورا کبیر ترین حماسه های رزم و قیام و جان سازی در کار و از گون سازی به طاعت و سنگین سلطنت استبداد و وابسته به امپریالیسم جهان نوا را با توجه به اعتبارات مالی هنگفت عربستان سعودی به شاه - در حدود ۱۰۰ میلیون دلار تومان - و ورود صدها کارخانهای به اصطلاح مشغول به تهران نخست عنوان دیپلمات سابق تار امریکا و افزایش تمسداد مستشاران نظامی و جاسوسان امریکایی در میهن ما تا ۱۰ هزار نفر، از روستا توطئه ارتجاع و امپریالیسم جهانی علیه جنبش ملی و آزاد میوه ها نه میگرد مسطور و طی حاکمیت می کند. حضور با کمانده های اردنی در ارتش ایران در ضمن بی اعتنایی و سوء ظن شاه رابه ارتش ایران که هر روز از او دورتر می شود و عناصر و موفقی از آن به جنبش حقیقت و آزادی بی مردم می پیوندند، به وضوح نشان می دهد. در همین حال دوامده میهم در حرسه ارتش ایران از روند سریع تحریک با بگانه نظامی حکومت استبدادی و نا استواری روز افزون این سگویی جنبش رژیم که سالهای متعددی اساسی ترین ابزار سرکوب هر طوری حرکت آزاد میوه ها نه و ملیتی بود حاکمیت می کند. یکی از این رویدادها فظنان و اعدای ارتش در روز ۲۷ آورده در شیراز بود که طی آن سربازان ارتش کثودن به روی ظاهر گسندگان سر بیچی کردند و اکثر آنها به ظاهر گسندگان پیوستند. آنها همراه با مردم عبوری که از بیداد استبداد دستم نخواه فرسای امپریالیسم فر مین و زادگاه خود به سوه آمده و برای محو این تقدیر شنیع در برابر تانک ها و مسلسل ها عصبه سر کرده بودند در میان های شهر تبریز به دان شمارهای بر لیب و انگریسی پی برداختند.

مردم لباسی های خود را از این خارج کردند و به این برادران نظامی خود پیوستند. سرکشان در آغوش مردم گریستند و مردم با رانی از نفل و گل سر سوزوی آنها شدند. سربازان فریاد می زدند: سنگ بر آنها که ما را از شهادت جدا کرده اند. و مردم در توفانی از آواک و گل و بوته و شمارهای رنگارنگ سربازان را در پیش گرفته و سر دست بلند کردند و شکر ا کردند:

سنگ بر آنها که برادران را از هم جدا میکنند پیوستند سربازان با مردم چنان رژیم را و وحشت زده کردند سلاطینه به تمهید سربازان و عزام فوری سربازان تهران و شهرهای دیگر از طریق هوا بهما به تبریز پرداخت. اما سربازان تازه وارد نسیع از اطلاع کرده اند که ما سر میسند روی ص میمانان خود آتش بگبارید. بحران در با دگان زبیرا همچنان ادامه دارد.

هفته پیش از این واقعه تکان دهنده دیگری در لشکرگارد واقع در با دگان لویزان رخ داده بود که فرمان مرگ محتوم این رژیم ضد خلقی و سر بسپرده امپریالیسم را آوازی می داد. در این روز گروهی از سربازان میهن پرست و جان ساز را درجا وید که تا اکنون مستحکم ترین با بگانه شاه بوده است - به همراهی یک سروان و یک ستوان و فادار به آرمسان های میهن و مردم (از گردان تانک) به سسزور ترین افسران و فرماندهان مدعی عمل و رشده و به قصابی خنابانی که آنها هر روز و هر لحظه علیه مردم قیام کرده از ظلم و استبداد مرگتیب می شوند، به خاک و مطن و کشیده. در این عملیه سر تیب سفید، سرهنگ نم آبادی، سرهنگ ملی مسگری (فرمانده ۱۰۰ تانک گاردا و بیدار سرهنگ بیچندی، سرهنگ صنای فرد) فرمانده گردان تانک (سرگرد مرچانی (معاونت در زمان با دگان لویزان) سرگرد صمدی، ستوان بگبارگ احمدی همراه با گروه دیگری از افسران گاردا شتاهایی گشته و گروه بیشتری به شدت مبروح شده که سال برخی از آنها به شدت و خیم است. جمع گشته شنگان ۱۲۷ نفر و ۲۱۰۰ درجه دار و همسرا ز است. جن از هفت

پروتناریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد «لنین»

جوی خون در شهرها جاری است

زنان چادری به پایکوبی مسخره و شعاردادن به منفع آریا میروند، بر دخت...

کیران
روز ۲۴ آذرماه، در مراسم هفتمین شب شهادت یکی از قهرمانان، گزاهای صلح رژیم جمعیته را به رگبار مسلسل بست و ۲ شهیدپریشدهای فرامیخته، خلق رنجیده، ما افزود.

خواسار

درتظاهرات روز ۲۳ آذرماه رگبارگلوله‌ها مزدوران شاه چنین از میهن پرستان را به شهادت رساند. آمار مجروحین را ۱۵ نفر اعلام کرده‌اند.

مشهد

درمشهدکارهای هادی که به طرفداری از رژیم خاش و چنانچه پیشه‌شاه به خیابانها هجوم آورده بودند، به سیمارستان‌های شهر حمله کردند و پرستان را به زندان بردند. در این حمله چنانچه شاعر دیگری هم در کنار شاعران دیگر، جانشین شاه را داشتند؛ سفید پوش را کشیدند.

در سیمارستان ۱۷ شهیدپر (قبلا بهمن‌نامه می‌شد) نیروهای مسلح رژیم به روی مردمی که آمده بودند، چاقو به دست‌ها را از سیمارستان بیرون کشیدند. شهیدپر سیمارستان را به حمایت از او نشان دست پرورده ساواک و فرماندهان نظامی و شهریاری مشهد، آتش‌نشانان که منجر به مجروح شدن ۲۵ نفر شد.

نظرات انگیز ترین صحنه‌ها در سیمارستان دکترو صندق (خاخرهای سابق) روی داد. طی دوروزی که طرفداران او با شرف طفت‌شاه در مشهد به اصطلاح نظرات ملی و میهنی برپا کردند، به سیمارستان‌های این شهر حمله شد. صحنه‌هایی از این جنایات

اکثر شهرها غرق آتش و خون و هرحمه‌حالی ترین مقاومت و جانسپاری توده‌های مردم است. نبیره استعصای صدها هزار کارگر و صدها هزار دانشجو و روستا و ورگاست و روستا و دانشجو و استاد و معلم و روزنامه نگار دردمتن نظرات و راه پیمان‌های میهنی و صلح‌گرا و صلح‌طلبان جهان کمترین آن راه می‌باید داد و ارتجاع فاشیستی و اربابان امپریالیستان را به مکتب‌الممل و مقابله و حشانه و بسته راه انداختن نه‌های خون برانگیخته است. گلوله‌ها باران زینان و مردان و کودکان بی دفاع در کوجه‌ها و خیابانها و میادین شهرها، آتش زدن خانه‌ها و محل کسب و کار خلق‌های قاصی، حمله راه انداختن مزدوران و اربابش چاقو، حمله شتابان به خانه مردم، ربودن آزادبختان و مقاومت کنندگان، اشغال نظامی هر مرکز جمع و حرکت و کارکنان اندیشه و روش، جزوهای ترین برنام‌ها و ایروان دولت نظامی باغی و رژیم سیمار آمریکا شده است. کارنامه خونین رژیم شاه آمریکا را در روزهای اخیر به مثابه جلوه‌ای از نظریوتوهمین مردم و شکستن مفازها و وااداشتن

بمسزد

درتظاهرات عظیم روز ۲۴ آذرماه، انفرشهری شدت، گروه مجروحین چندبرابر شده‌اند.

اصفهان

درهجوم چاقوچاران و چاقوچکان رژیم جنایت‌های برده نیروهای مسلح در روزهای پس از نظرات با شکره تا سوغا و ما شورا ۲۸ نفر شهید و صدها نفر مجروح شدند. صدها تنوسومیل توسط نیروهای مسلح و چاقوچاران خردشود و سربازان شهید را به خیابانها من دان شماره به نفع شاه آمریکا بی نظریوتوهمین مردم و شکستن مفازها و وااداشتن

فاجعه تکان دهنده نجف آباد

شهرنجف آباد واقع در ۳۰ کیلومتری غرب اصفهان، درروز شنبه ۲۳ آذرماه شاهد یکی از وحشیانه‌ترین عملیات دزخیان و اوباشان ساواک، شهریاری و ارتش رژیم فاشیستی شاه بود. در این روز به دنبال نظرات پویشی آزادبختان، مردم در روزهای تا سوغا و عاشورا، در پی یک صحنه بازی توطئه آمیز سرگردان افقاری رشید شهربانی مزدور رژیم با بلندگو در خیابان‌های شهر به فحاشی و سبزه‌گویی به مردم می‌پرداختند و مردم را می‌خواستند که به خیابانها آمده و به جلالت‌آباد رشتار دهند. سپس هجوم اوباشان مسلح رژیم به شوراها می‌شود. اکثر منازل، منازلها و فروشگاه‌ها با گلوله‌های آتش‌زایه آتش‌کشیده می‌شود. اهالی شهر از زن و مرد و کودک مورد ضرب و شتم دزخیان قرار می‌گیرند. جانشین شاه با مسلسل مردم را در خانه‌ها و خیابانها به رگبار گلوله می‌بندد. هر کس را که سعی در گریز کردن داشت به ضرب گلوله از پای در می‌آورد. این هجوم بی‌برنامه و بی‌هدفیت از صدها نفر مجروح و صدها تنوسومیل و صدها تنوسومیل شهید و بی‌خانمان و بی‌خانمان با گامیون در دل شهر به خیابانها اطراف برده و در خاک می‌کشند. شاهدان عینی نقل می‌کنند که از شهرنجف آباد صدها تنوسومیل و صدها تنوسومیل شهید و بی‌خانمان با گامیون در دل شهر به خیابانها اطراف برده و در خاک می‌کشند.

راهپژگان مشهد در کنفرانسی که در سیمارستان غمیخی (پهلوی سابق) با شرکت صدها شرکت‌کننده حضور پررنگی از شخصیت‌های ملی مبارز تشکیل شده بودند تشریح کردند و فیلم‌هایی را که برتکان، خود از این عملیات گرفتند پخش کردند. به دنبال این عملیات گرفتند مراسم تشییع جنازه شهیدان حمله به سیمارستان را می‌مشهد نظرات با شکره چندم هزار نفری برپا کردند و سبزه‌ها را در سیمارستان و نظرات و آزادبختان از رژیم سرسوده شاه نشان دادند.

گزارش‌های رسیده از راه افتادن جویهای خون و به خاک رفتن صدها شهید و صدها مجروح در شهرهای قم، شیراز، تبریز، تهران، کاشان، بافت، آبادان، ... و دیگر شهرهای میهن حکایت می‌کنند. اما انقلاب ازبان دود و دود و خون شهیدان آتش که در خانه و کاشانه میهن پرستان و آزادبختان افتاده، با چهره مصمم راه خود را می‌کشد. از هر قطره خون شهید، مبارز جدیدی برمی‌خیزد و با به میدان می‌گردد.

زلزله در ارتش شاه

حمله کننده رشیده مزدوران گارد و اوباشان به شهادت رسیدند. این فرزندان وفادار خلق عسارت بودند از:

- ۱- ستوان یکم (اسفندیان)
- ۲- گروهان یکم اسلحه دار پانزده نفری
- ۳- گروهان دوم کمک اسلحه دار گنار د

چاوبان: ۳- سرباز وظیفه سری ۱۲۸ گارد و اوباشان؛ هوشدار سرباز پانزده نفری گارد و اوباشان؛ سروان هوشیار (خلبان طلی کوپتر مشغول در با دگان) دستگیر شد.

سربازان گزارش می‌کنند که از با دگان لوپران گسار د چاوبان شاهنشاهی رسیده، گروهان یکم شهید یک مسلسل ام. ۳۰ با ۳۰۰۰ فشنگ سروان شهیدان؛ دلیر هر یک فشنگ ۳۰ با ۳۰۰۰ فشنگ همراه داشته‌اند؛ فشنگ‌ها در ۱۵ غناب ۱۵ شهری بوده است. همچنین یک طلی کوپتر مسلح با اسلحه کالاسپر (۱۷/۷) در اختیار سروان شهید بوده است.

فرزندان خلق در با دگان لوپران نقشه نامی در سوخت ترین دشمنان مردم ایران را به این ترتیب به مرحله اجرا می‌آورند: یک مسلسل جی گروه چاوبان از شهید سراسر در خروجی قرار می‌گیرد. سربازان برای از پای آوردن دزخیان که بر فراز آسمان با شمشیر طبقه پاسداری می‌داده اند می‌روند و با موفقیت به عقبه افرادی می‌روند. آنگاه گروه چاوبان از در ورودی داخل زمین ساختمان که محصل مهاجرتی و اشراغ به است می‌شود و مهاجرتی افسران ارتش را سربازان گلوله و آتش می‌گیرند. چنین افراد دگرگون چاوبان در حرمان این حمله که چنانچه است به طول می‌انجامد یکی پس از دیگری به خاک و خون می‌افتند. تنها سروان هوشیار (خلبان طلی کوپتر) دستگیر می‌شود. درجه‌های افسران شهیدان به ای به دست‌آنها در حمله دست‌نما می‌آید و بود خطاب به پدر و مادرش. در این صحنه که با خون سرد و خونی سر بر زمین کشیده شده بود، این کلمات به چشم می‌خورد:

پدر، مادر
از من راضی باشید. بپرسان یک شهید مردم است سربازان را با لیکرید.
در روزی توبه شهیدای ملی گارد و اوباشان آنها که از نظایر شهید می‌شود سربازان را با لیکرید که او را طاعت می‌کند کوواره و ادبای مسلح جانی مردم خود به خاک انداختند و در راه آرمان‌های میهن و آزادی خون پاکشان را نثار کردند. مردم شهید و قهرمانان خود را هرگز فراموش نمی‌کنند. افتخار پاسدی بر آنها ...

نویسنده: احمد

تأسیسات نفت در اشغال نظامی رژیم

داده است که رژیم در نظر دارد برای ادامه تولید نفت خود را از کارخانگان اراشلی راه ایران وارد کند.

کارگران و کارمندان رزمنده صنایع نفت در خیرنا به خودتاکه کرده‌اند: حال که همه ردی ملی و صنعتی ما امتدادشان را نسبت به هم تشدید و همسنگی مان را محکم‌تر کرده است. می‌گویم ما اعتصاب یکبارچه خود هر چه زودتر از محرم‌های تاریخی را که سرست و پای ما زنده‌اند، با راه کشیم و با شوم جانی‌ها را در دایلی و ما جی را از سر خود و همسنگی مان می‌خواهیم.

آخرین گزارش حاکی است که موج دستگیری‌ها و اعمال فشار پلیسی بر کارگران رزمنده، صنایع نفت را با گرفته است و کارگران اعتصابی راه می‌کشند. نظامی تشدید کرده‌اند. راه‌بردی سنگین اطلاع داده است که کارگران اعتصابی راه زوربا انوسومیل‌های نظامی و تحت مظلوم سربازان به معادن نفت مستقل می‌کشند. اما سندیکی مشترک کارگران صنعت نفت از آثار به اهمیت نفت در به کار انداختن چرخ‌های اقتصاد کشور و غارتگری‌ها در سیمارستان و شرایط دشوار زندگی و کار زحمت‌گزاران صنعتی و قهرمانان نفت در راه ملی کردن صنایع نفت ایران، اعلام کرده است که:

ما کارگران صنعت نفت به لحاظ این که تا روزی که میهنی تا راج و بی‌مغای پیدا کرده‌اند، امپریالیسم نسبت به شروت‌های ملی خود، صنایع، مصفا و با قاطعیت بر آنیم که با خود را در صحنه صنعت از انجام کار به حرمان تولید و صنعت نفت شاهانه داده و دیگر اجاره به صنعت که ستون پهنم شدن در نظر گرفتند غم ملت ایران بیش از این هستی ما را به تازج برود.

در این اعلامیه به دولت نظامیان مزدور و خاطر شده است که ملی رزم همه کارکنان و اعمال قضا، اعتصاب رزمی کارگران قهرمان نفت حاصل پیروزی کامل آدا به خواهد یافت. صنایع ملی اعلام می‌کند که از سوی سندیکا و کارکنان صنعت منتظر گردیده، اعلام شده است که کمیته نفت در با راهی کشور به علت ذخیره کردن نفت و بنزین توسط ارتش بیوز کرده است. ما با دیدگرای همه کارگران ایران دعوت می‌کنیم که با اعتصابی همسنگی به پشتیبانی از این سند دلیرانه رفقای کارگر خود در صنعت نفت بمانند. وظیفه همه نیروهای میهنپرست و آزادبختان است که به هر وسیله ممکن به حمایت مادی و ابزاد همسنگی وسیع از اعتصاب قهرمانان و سرپوشش از کارگران مبارز نفت بریزند و فعالیت‌های خود و ادراکین زمین تشدید کنند و اجاره‌دهنده رژیم با استفاده از سرکتر نیروی قهرورکوب خود، اعتصاب رزمی کارگران دلیر را درهم شکند.

کارکنان صنعت نفت جنوب که سردا اعتصابی آنها به تنه پشت رژیم لرزان شاه را ختم کرده، بلکه امپریالیسم چاقوچاران نیز به دست‌انداختن، در با سزدهمین بولتن خبری خود اعلام کرده اند: "افسران ارتش جهت تولید نفت تمام صادرات، ریاست‌نوا می‌بهره برداری راه عبده گرفته‌اند." و رودا انوسومیل در با بی‌تصمیم عنوان تکلیف‌های فنی به واحدهای بهره‌برداری با عت شده است که صدمات زیادی به توربین‌ها و تجهیزات واحدها وارد آید. تلمبه خانه یک و دو امید بسته شده، تلمبه خانه افواز به خاک از استثنای دو توربین دیگر کار نمی‌کند. گروه به راه‌بردی و سبکو نیز از اول آیت‌الله خمینی خبر

مردم قهرمان ایران!

انتها دیده می‌شود، وظیفه خودی دانند که در این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ میهن ما با دیدگری ضرورتی در تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری را پس از مقابله با توطئه‌های امپریالیستی، خنثی‌کردن، سفرکردن و با لاف، سرنگون ساختن رژیم سلطنتی ووری کار و دران یک دولت موقت ملی و آزادبختان با آواز و روش، میهنی است که حزب ما برای هرگونه اقدام بی‌درنگ این زمینه در هر لحظه آماده است و همه نیروهای آریوسومیل راه مسئولیت خطیر تاریخی آنها توده می‌دهد.

ما توده‌های ایرانیم که مردم دل‌نور قهرمان ایران که چنین صحنه‌های اعجاب‌انگیزی از فدائگاری و جانسپاری در راه مرام مقدس خلق ایران از خود نشان داده‌اند، در مقابل توطئه‌های چاقوچاران رژیم فدای محمد را شاه و امپریالیسم حامی آن کوچکترین گامی به عقب برنخواهند داشت.

مردم ایران! با تمام نیروی خودی تا تحمل به همه شهیدهای مؤثر مبارزه‌یابانه کار انداختن کلیه و ساتلی که می‌توان به کار انداخت، بکوشه، تبه کارانه شاه و امپریالیسم را درهم کوبید و این سردبسیار دشوار را برافتاد راه پیروزی قطعی بر ما شهیدپریم آزادی و استقلال را بر فراز کشید!

سربازان، افسران، درجه‌داران صحنه پرست نیروهای مسلح ایران! شما که از میان طبقه سربازان به دست‌آنها استبداد امپریالیسم جنایات موحش خود را علیه ایران، برادران و خواهران شما به دست شما انجام دهنده، به نداد حق طلبانه، مردم باخ دیدید، رکنار جنبش بزرگ خلق علیه دشمنان شاه را در پیروزی هر طرفی که ممکن می‌شود توطئه‌های امپریالیسم برانداختن استبداد و استعمار را غنمی کنید. ای سربازان و طبقه مقدس میهنی و ملی شماست!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ آذرماه ۱۳۵۷

سرنوشتی استبداد سلطنتی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ائتلاف ملی

خواست هیوم جنبش انقلابی مردم ایران است